

مدارس و سلامت روان

محمد داوری

منبع: صفحه اول روزنامه اعتماد 22 مهر 1400 خورشیدی

شاید این سالها سلامت از همه چیز بیشتر اهمیت و اولویت خود را نمایان ساخته باشد و یکی از شوک‌های کرونا این باشد که همه باید مراقب سلامتی خود باشند هر چند کرونا تهدیدکننده سلامت جسمی بوده و هست اما تبعات ناشی از آن به ویژه خانه‌نشینی سلامت روان را تهدید و بیماری‌های روانی را تشدید کرده است. در این میان بیش از همه، کودکان و نوجوانان یا به عبارتی دانش‌آموزان آسیب‌های روانی بیشتر دیده‌اند، چراکه اگر بزرگ‌ترها به هر دلیل و بهانه‌ای امکان خارج شدن از خانه را داشتند، اما فرزندان این امکان را کمتر داشتند، کلاسها که مجازی بود و بهانه‌ای نداشتند برای خروج و والدین هم به آنها اجازه خروج نمی‌دادند. هر چند مدارس حتی در دوره پیش از کرونا هم چندان نقشی برای تامین بهداشت و سلامت دانش‌آموزان نداشتند، اما همان حداقلها نیز حالا مشخص شده که برای بهداشت و سلامت دانش‌آموزان مفید بوده است. رفت و آمد دانش‌آموزان و خروج از خانه و ارتباط با دوستان و همکلاسی و هم‌مدرسه‌ای‌ها و خوش و بش‌های مسیر خانه و مدرسه و حتی شیظنت‌های مورد اعتراض خانواده و مدرسه نیز مفیدتر از این انزوا و خانه‌نشینی است، به همین دلیل است که حتی دانش‌آموزان متنفر از مدرسه هم الان خواستار حضوری شدن کلاسها و بازگشایی مدارس هستند. خیلی جای خرسندی است که در کشور ما به روز جهانی سلامت روان بر خلاف روز جهانی معلم بها داده میشود و هفته‌ای به نام هفته بهداشت روان نامگذاری شده است و از مدارس به ویژه مدیران و مشاوران خواسته میشود فعالیت‌هایی را به این منظور انجام بدهند، هفته‌ای که همه ساله در مهر ماه میتواند آغاز خوبی برای سال تحصیلی باشد و مدارس تامین بهداشت روان و تحقق سلامت روان دانش‌آموزان را در دستور کار خود قرار دهند.

به‌رغم این ابراز خرسندی باید با تاسف گفت مدارس چندان در تحقق این هدف چه قبل و چه بعد از کرونا موفق نبوده‌اند و این نگرانی وجود دارد که با حضوری شدن آموزش، مدارس علاوه بر آسیب‌های گذشته با آسیب‌های متعدد و متنوع جدیدتری هم مواجه شوند که برخی متاثر از زندگی کرونایی کودکان و نوجوانان بوده است. حدود سی شاخصی که

برای سلامت روان منظور شده است را برخی در دو فاکتور مهم یعنی (شادی و نشاط) و (رضایت و خشنودی از عملکرد) خلاصه میکنند به این معنا که اگر فردی از شادی و نشاط نسبتاً خوبی برخوردار باشد و از عملکرد خود هم رضایت داشته باشد تا حد زیادی میشود گفت فرد از سطح قابل قبولی از سلامت روان برخوردار است. دو شاخصی که متأسفانه بیشتر دانش‌آموزان از آن بی‌بهره یا کم‌بهره هستند و در ایام کرونا نیز به شدت این دو شاخص نزول داشته است و به همین دلیل مدارس پس از حضوری شدن آموزش، کار سختی را خواهند داشت و در سازگار کردن دانش‌آموزان با مدرسه پساکرونايي و تامین بهداشت روان و تحقق سلامت روان دانش‌آموزان با مشکلات جدی و گسترده و مستمری مواجه خواهند شد. لذا به نظر میرسد برای نزدیک به 15 میلیون دانش‌آموزی که حدود دو سال تجربه آموزش غیر حضوری را داشته‌اند و روان‌شان آسیب‌های جدی خورده است باید چاره‌ای اساسی اندیشیده شود و سایر دستگاه‌ها و نهادها و همچنین رسانه‌ها به ویژه صدا و سیما نیز به همراهی و همکاری دعوت شوند و يك برنامه فرادستگاهی تدوین و اجرا شود.